

وقایع اتفاقیه

از: داروساز جوان

مقدمه

زندگی شغلی مانند کل جریان زندگی مملو از حوادث و نکات تازه و بی‌شمار است، به‌خصوص برای افراد تازه‌کار. بنابراین عجیب نخواهد بود اگر داروسازی که به‌تازگی وارد زندگی حرفه‌ای در داروخانه شده است، مشکلات و نکاتی را که احتمالاً برای همکاران قدیمی‌تر، عادی و روزمره شده است، جالب و تازه بیابد.

مطالبی که از این به بعد تحت عنوان بالا خواهد آمد، طرح و بیان نکات و مشکلاتی است که تکرار، آنها را عادی و پیش‌پا افتاده نشان می‌دهد و حساسیت به آنها کم شده یا دیده نمی‌شود. از طرفی به دلایل مختلف، پرداخت جامع یا ارائه راه‌حل برای آنها مقدور نبوده است. بنابراین بیشتر به نقل خاطرات و مشاهدات نویسنده یا دیگر همکاران خواهد پرداخت

و به نوعی وقایع اتفاق افتاده در داروخانه یا مسائل مربوط به آن می‌باشد و امید است طرح آنها، فتح بایی برای بحث‌های مفصل از سوی صاحب‌نظران باشد.

همین جا ذکر نکته‌ای ضروری است. در طول این سلسله مطالب به کرات از داروسازان، پزشکان، دندانپزشکان، ماماها و ... نام برده خواهد شد که همه به نوعی با داروخانه سروکار دارند. آقای الوین تافلر در کتاب «موج سوم» از خصوصیات جهان آینده و موج سوم زندگی بشر، از بین رفتن کنترل‌های عمودی و جایگزینی آنها با کنترل‌های افقی در جامعه را مطرح کرده است. در این صورت و با این نگرش، طرح مشکلاتی که به گروه‌های ذکر شده مربوط می‌شود، نه تنها ناپسند نیست، بلکه از آنجا که ما را با قدم‌های کوچکی به سمت آینده بهتر می‌برد لازم و ضروری است. در انتهای مقدمهٔ اولین قسمت، مطلب را با

خرداد ۷۳، شماره ۵، سال پنجم، رازی ۶۵

گوشه‌هایی از نوشته‌های لوئی پاستور به پایان می‌بریم که خود به اندازه کافی گویا است.

«... در هر حرفه‌ای که هستید، نه اجازه دهید که به بدبینی‌های بی‌حاصل آلوده شوید و نه بگذارید که بعضی لحظات تأسف بار که برای هر ملتی پیش می‌آید، شما را به یاس و ناامیدی بکشاند. در آرامش حاکم بر آزمایشگاهها و کتابخانه‌هایتان زندگی کنید. نخست از خود پرسید من برای یادگیری و خودآموزی چه کرده‌ام؟ سپس همچنان که پیش می‌روید، پرسید من برای کشورم چه کرده‌ام؟ و این پرسش را آنقدر ادامه دهید تا به این احساس شادی بخش و هیجان‌انگیز برسید که شاید سهم کوچکی در پیشرفت و اعتلای بشریت داشته‌اید. اما هر پاداشی که زندگی به تلاشهای مان بدهد، یا ندهد، هنگامی که به پایان تلاش‌هایتان نزدیک می‌شویم، هرکداممان باید حق آن را داشته باشیم که با صدای بلند بگوییم: «من آنچه در توان داشته‌ام انجام داده‌ام».

* * *

به برکت وجود طرح نیروی انسانی و طرح الزام خدمت و انواع و اقسام طرح‌ها، در هر نقطه محروم و غیرمحروم، هر روستا و شهرستان و دهستان کوچک چند پزشک عمومی و متخصص و یک آزمایشگاه تشخیص طبی و ۳-۴ تا! داروخانه وجود دارد. در صورتی که ممکن است غیر از یکسری تعویض روغنی و تعمیرگاه ماشین و چند خواربارفروشی و تعدادی خانه، ساختمان دیگری در آن منطقه وجود نداشته باشد! آب مصرفی را با سطل و تانکر از آن طرف جاده بیاورند! و ...

این کاش با اعزام فارغ‌التحصیلان گروه پزشکی به مناطق محروم، مقادیری امکانات زندگی نیز به آن

مناطق اعزام! گردد تا رفتن به طرح ... از حالت رفتن به تبعیدگاه خارج شود.

* * *

در دفتر علمی واحد ژنریک هر ماه کلی وقت صرف می‌شود و هرازگاهی یک برشور نوشته و تصحیح و کنترل می‌گردد تا تأیید شود. باردیگر در وزارت بهداشت هم کنترل میشود و دریغ و افسوس وقتی دست می‌دهد که خود، تهیه کننده برشور باشی از یک طرف، و خودت هم بعد از ظهرها آن را در سطل زباله بیاندازی! چرا؟ بسته بندی قرصها همه صدتایی است و سهمیه هر نسخه‌ای ۳۰ یا ۵۰ عدد تا به همه برسد و ...

* * *

خانم مامائی در نزدیک داروخانه انواع آمپول‌های هورمونی را نسخه می‌کند و ما هم تا حد امکان از پیچیدن آنها خودداری می‌کنیم. یک بار که اینچنین کردیم بعد از مدتی بیمار دارو به دست برگشت و گفت شما که دارو را ندادید ولی من از داروخانه پایینی گرفته‌ام. حسابی عصبانی شدم و خواستم در این مورد تلفنی با مسئول آن داروخانه صحبت کنم که همکاران داروخانه، گوشی تلفن را گرفته و ما را با ذکر نصیحتی چند! منصرف کردند. بیشتر عصبانیت مربوط به این بود که نسخه بیمه بود. منتها ماما مهر نزنده بود ولی نسخه بیمه حساب شده بود. ظاهراً بعداً برای مهر خوردن به یک همکار پزشک تحویل داده خواهد شد! گویا باید بعد از مدت‌ها درس خواندن و احیاناً دادن شعارهای زیبا، از بی‌اطلاعی بعضی مردم دهات و روستاها استفاده کرد و کلاه فروشی! باز کرد.

* * *

امروز صاحب داروخانه با پزشک مجاور تلفنی

کردم. دریغ از یک بروشور و مثلاً نکات لازم در مورد دوز فراموش شده و ...

* * *

رؤیاهای سال ۲۰۰۰:

امروز در داروخانه دچار خیالات شده بودم و در عالم خیال به سالها بعد رفتم و وضعیت داروسازی را در آن موقع تصور کردم. دست پخت ما اینطوری شد: «... به برکت ازدیاد تعداد داروساز اکنون به ازای

هر ۱۰۰۰ نفر یک نفر داروساز داریم و داروسازان برای جلوگیری از تداخل امور، مناطق مختلف شهرها و روستاها را بین خودشان تقسیم کرده‌اند. مثلاً در شهر ما هر محله به یک داروساز اختصاص دارد. هر روز «داروساز محله» زنگ در خانه‌های را می‌زند و داروهای مورد نیاز را سؤال می‌کند، نسخه‌ها را می‌پیچد و مشاوره دارویی هم تحویل می‌دهد!

معمولاً اول ماه و اعیاد کار و کاسبی بهتر است و به ازای عیدی بیشتر BComplex و B₁₂ هم می‌دهد. البته ویزیت‌ها بیشتر «۹ شب» به بعد صورت می‌گیرد تا بعد از ویزیت «پزشک محله» باشد! و نسخه‌ها «به روز» پیچیده شوند.

گروهی دیگر از داروسازان به صورت ستار کار می‌کنند. یک وانت گرفته‌اند با بلندگو و داروهای موجود را اعلام می‌کنند و مردم هم احتیاجات فوری خود را از آنها می‌خرند. بعضی به جای پول نقد، جنس هم تحویل می‌گیرند...

خلاصه ...»

آش آنچنان شور شد که مطمئناً به مذاق خیلی‌ها خوش نخواهد آمد. خدا آخر عاقبت ما را ختم به خیر بگرداند.

خرداد ۷۳. شماره ۵. سال پنجم. رازی ۶۷

این چنین فرمودند: (ساعت ۹ صبح): «آقای دکتر آمپول B₁₂ تمام شده است. قربان شما ...» دیگر نسخه‌ای که حاوی آمپول B₁₂ باشد ندیدم. ساعت ۱۱ صبح آمپول B₁₂ هم به داروخانه رسید و کمافی‌السابق از طریق تلفن اطلاعات لازم داده شد! ساعت ۱۱/۱۵ که نسخه B₁₂ دار هم به دستمان رسید، خیلی تعجب کردم. بعداً موضوع را با یکی از همکاران مطرح کردم، رهنمود لازم را اینگونه ارائه فرمودند که: فعلاً تازه کاری!

* * *

خانمی به همراه بچه خردسالش وارد داروخانه شد. نسخه‌اش علاوه بر یک سری مسکن و تب‌بر و شربت ضدسرفه حاوی دو شیشه Amoxicillin 125mg بود. خانم هنگام تحویل نسخه اصرار داشت که چون 125mg کم است، ۲۰ عدد Ampicillin 500mg به او بدهم که قبول نکردم. با کمی توضیح که پزشک در این موارد تشخیص می‌دهد و با توجه به نوع بیماری و سن بیمار و ... دارو را به تعداد کافی تجویز می‌کند و باقی قضایا.

چند دقیقه بعد از خروج خانم، با نسخه‌ای دیگر از درمانگاه منطقه مجدداً وارد داروخانه شد: "Ampicillin 500gm" و به تعداد 20 عدد و کنایه‌ای که: «دیدید که نسخه را هم گرفتم.»! بله دیدم. و دیگر غیر از اعلان قیمت صحبتی نکردم. فقط بعد از خروج خانم از داروخانه گفتم که: «واقعاً که دست‌م‌ریزاد».

* * *

به نظر می‌رسد که بخش مهمی از امکانات کشور باید صرف کنترل جمعیت گردد. یکی از این امکانات قطعاً ارائه اطلاعات صحیح است. با این تفکرات در جعبه‌های قرصهای ضدبارداری LD و HD و ... را باز